

به نام خدا

۱۱. قانون مدیریت خدمات کشوری

و بند «۷» ماده واحده لایحه بودجه

فهرست مطالب

۱	چکیده
۳	مقدمه
۵	بخش اول - اصلاح ساختاری در شکل و ارائه بودجه
۹	بخش دوم - احکامی که اجرای آنها مستلزم برآورد اعتبارات لازم در قوانین بودجه سالیانه است
۱۵	بخش سوم - بررسی حقوقی بند «۷» ماده واحده لایحه بودجه ۱۳۸۹ کل کشور
۲۱	جمع بندی
۲۴	پیشنهاد
۲۵	منابع و مأخذ

کد موضوعی: ۲۳۰

شماره مسلسل: ۱۰۱۰۳

دفتر: مطالعات برنامه و بودجه

بهمن ماه ۱۳۸۸



لایحه بودجه سال ۱۳۸۹ کل کشور
 ۱۱. قانون مدیریت خدمات کشوری
 و بند «۷» ماده واحده لایحه بودجه

چکیده

۱. یکی از اهداف اصلی قانون مدیریت خدمات کشوری متناسب‌سازی اندازه دولت و حداقل‌سازی نقش تصدیگری دستگاه‌های دولتی و تقویت نقش سیاست‌گذاری و نظارتی این دستگاه‌هاست. نکته مهم در اجرای این قانون توجه به ارتباط و تأثیر اجرای هر یک از فصول این قانون بر سایر فصول آن است. بی‌تردید توجه به بخشی از احکام قانون و غفلت از سایر احکام، موجب عدم تحقق اهداف کلان این قانون خواهد شد.

۲. در مواد (۸)، (۹)، (۱۰) و (۱۱) قانون مدیریت خدمات کشوری، وظایف دولت در قالب امور حاکمیتی، امور اجتماعی، فرهنگی و خدماتی، امور زیربنایی و امور اقتصادی طبقه‌بندی شده است. این درحالی است که در بودجه سال ۱۳۸۹ وظایف دولت مطابق روال گذشته در قالب امور عمومی، امور دفاعی و امنیتی، امور اجتماعی و فرهنگی و امور اقتصادی طبقه‌بندی شده است.

۳. براساس ماده (۱۶) قانون مذکور، بودجه دستگاه‌های موضوع این قانون، باید از سال ۱۳۸۷ براساس نظام قیمت تمام شده و با رعایت مفاد ماده فوق تنظیم و ارائه شود. این درحالی است که پس از گذشت دو سال از فرصت زمانی مذکور، لایحه



بودجه سال ۱۳۸۹ کماکان به روش گذشته و بدون توجه به ماده (۱۶) تنظیم شده است و صرفاً در جزء د بند «۹» ماده واحده دولت را مجاز به انتخاب تعدادی از دستگاه‌های اجرایی برای اجرای بودجه‌ریزی عملیاتی ساخته است.

۴. به‌رغم افزایش ۲۳/۲ درصدی اعتبارات هزینه‌ای دولت در لایحه بودجه ۱۳۸۹ به نسبت قانون بودجه سال ۱۳۸۸ (با اصلاحیه)، اعتبار فصل اول (جبران خدمات کارکنان) نه تنها افزایش نداشته است، بلکه اگر اصلاحیه بودجه سال ۱۳۸۸ را در زمینه افزایش اعتبار فصل اول در محاسبات منظور کنیم، شاهد کاهش اعتبار فصل اول در سال ۱۳۸۹ به نسبت اعتبار عملکردی دولت در سال ۱۳۸۸ نیز خواهیم بود. اگرچه در صورت تصویب جزء ج بند «۷» ماده واحده لایحه بودجه ۱۳۸۹، دولت این اجازه را دارد که اعتبار فصل جبران خدمات کارکنان را در سال ۱۳۸۹ تا سقف ۲۰ درصد افزایش دهد.

۵. دولت طبق تبصره ماده (۶۴) و ماده (۱۲۵) قانون مدیریت خدمات کشوری موظف است ضریب ریالی سالیانه را با توجه به شاخص هزینه زندگی و حداقل به اندازه نرخ تورم در لایحه بودجه سالیانه پیش‌بینی و به تصویب مجلس شورای اسلامی برساند. این امر در لایحه بودجه سال ۱۳۸۹ پیش‌بینی نشده و به‌جای آن دولت در جزء ب بند «۷» ماده واحده لایحه بودجه، این اجازه را از قانونگذار خواسته است که ضرایب ریالی موضوع ماده (۶۴) و تبصره آن و ماده (۱۲۵) قانون مدیریت خدمات کشوری را درخصوص شاغلین و بازنشستگان و موظفین و مستمری‌بگیران تا سقف اعتبار مصوب در هر مورد تعیین و اجرا کند.

۶. دولت در فصل تأمین اجتماعی در سال ۱۳۸۹ اعتباری معادل ۲۰۷,۳۱۵ میلیارد



ریال در نظر گرفته است که این اعتبار با توجه به اعتبار مندرج در سال ۱۳۸۸، افزایشی معادل ۴۱,۷۵۹ میلیارد ریال (۲/۲۵ درصد افزایش) را نشان می‌دهد که به احتمال زیاد بخش اعظمی از این افزایش برای اجرای فصل سیزدهم قانون مدیریت خدمات کشوری در نظر گرفته شده است.

۷. در بند «۷» ماده واحده لایحه بودجه که اعتباری یک‌ساله دارد، برخی احکام قانون مدیریت خدمات کشوری مورد اصلاح قرار گرفته است که علی‌الاصول باید از این امر اجتناب شود. این امر موجب می‌شود دولت از انجام یک کار اساسی در زمینه اجرا و اصلاح قانون مدیریت خودداری نماید.

مقدمه

قانون مدیریت خدمات کشوری در تاریخ ۱۳۸۶/۷/۲۴ به رئیس‌جمهور ابلاغ و در تاریخ ۱۳۸۶/۸/۲۳ جهت اجرا به معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس‌جمهور ابلاغ شده است. هدف اصلی این قانون تقویت نقش حاکمیتی و متناسب‌سازی نقش و اندازه دولت و حداقل‌سازی نقش تصدیگری به‌عنوان یکی از راهبردهای اصلی تحول در بخش دولتی است. در فصول مختلف آن، اصلاح ساختار سازمانی، پیاده‌سازی نظام قیمت تمام شده فعالیت‌ها و خدمات، مدیریت عملکرد، الگوی جدید حقوق و مزایای کارمندان، تأمین اجتماعی و راهبردها و فناوری انجام وظایف دولت مورد توجه قرار گرفته است.

تجدید ساختار و کاهش تصدیگری دولت را می‌توان گام اول عملیاتی‌کردن قانون



مدیریت خدمات کشوری دانست و سایر فصول این قانون از جمله فصل دهم (حقوق و مزایای کارمندان دولت) در راستای آن مورد نظر قانونگذار بوده است.

این گزارش در پی پاسخ به سؤالات زیر است:

- با توجه به احکام قانون مدیریت خدمات کشوری آیا تغییرات ضروری ساختاری در بودجه سال ۱۳۸۹ انجام شده است؟

- آیا اعتبارات پیش‌بینی شده در فصل جبران خدمات کارکنان و فصل رفاه اجتماعی و سایر فصول هزینه‌ای پاسخگوی اعتبارات مورد نیاز برای افزایش حقوق و مزایای شاغلین و بازنشستگان و موظفین و مستمری‌بگیران و سایر فصول می‌باشد؟ برای پاسخ به سؤالات فوق و برای آنکه ارتباط و انطباق احکام لایحه بودجه، که به تعبیری برنامه یک‌ساله اهداف و عملیات اجرایی دولت است، با اهداف و رویکردهای قانون مدیریت خدمات کشوری سنجیده شود، مطالب این گزارش در سه بخش زیر تدوین شده است:

بخش اول- احکام معطوف به تغییرات و پیامدهای ساختاری. بعضی از احکام مندرج در قانون ناظر بر تغییرات و اصلاحاتی در ساختار بودجه یا ساختار تشکیلاتی و بودجه‌ای دولت و دستگاه‌های دولتی است که دارای آثار و پیامدهای کوتاه‌مدت و میان‌مدت است. لذا در راستای اجرایی کردن احکام مذکور باید آثار آنها را به شکل مناسبی در قانون بودجه که برنامه مالی یک‌ساله دولت است لحاظ کرد. الزام دولت به تنظیم و ارائه بودجه براساس نظام قیمت تمام شده، اصلاح ساختار سازمانی دستگاه‌های اجرایی براساس احکام فصل چهارم، ایجاد محدودیت‌هایی در استخدام کارمندان جدید و ایجاد هر گونه واحد و پست سازمانی جدید، الزام وزارت



کشور به ایجاد مجتمع‌های اداری و ممنوعیت دیگر دستگاه‌های اجرایی از ایجاد واحدهای مستقل از جمله این احکام است.

بخش دوم - آن دسته از احکامی که اجرای آنها مستلزم برآورد اعتبارات لازم در قوانین بودجه سالیانه است؛ از جمله ایجاد پایگاه اطلاعات ایرانیان، ایجاد واحدهای خدمات‌رسانی الکترونیکی، اجرای فصل مربوط به جبران خدمات کارمندان، اجرای احکام بازنشستگان برای سنوات بعد و مشارکت دستگاه‌های اجرایی در بیمه تکمیلی کارمندان شاغل و بازنشسته.

بخش سوم - ارائه یک بررسی مستقل حقوقی و فنی از مفاد بند «۷» لایحه که احکامی را در رابطه با قانون مدیریت خدمات کشوری پیش‌بینی کرده است.

بخش اول - اصلاح ساختاری در شکل و ارائه بودجه

۱. طبقه‌بندی وظایف و عملیات دولت

در مواد (۸)، (۹)، (۱۰) و (۱۱) قانون مدیریت خدمات کشوری، وظایف دولت در قالب امور حاکمیتی، امور اجتماعی، فرهنگی و خدماتی، امور زیربنایی و امور اقتصادی طبقه‌بندی شده است. این در حالی است که در بودجه سال ۱۳۸۹ تقسیم‌بندی امور دولتی مطابق روال گذشته در قالب امور عمومی، امور دفاعی و امنیتی، امور اجتماعی و فرهنگی و امور اقتصادی طبقه‌بندی شده است.



۲. طبقه‌بندی و سازماندهی دستگاه‌ها در نظام بودجه‌ای

۲-۱. براساس ماده (۲) قانون، مؤسسه دولتی واحد سازمانی مشخصی است که به‌موجب قانون ایجاد شده یا می‌شود و با داشتن استقلال حقوقی، بخشی از وظایف و اموری را که برعهده یکی از قوای سه‌گانه و سایر مراجع قانونی می‌باشد انجام می‌دهد. کلیه سازمان‌هایی که در قانون اساسی نام برده شده است در حکم مؤسسه دولتی شناخته می‌شود. ضروری است هر یک از مؤسسات دولتی به تفکیک منابع و مصارف دارای شماره طبقه‌بندی باشند که وابستگی آن را با دستگاه اصلی نشان دهد. در ساختار بودجه سال ۱۳۸۹ نیز همانند سال گذشته این حکم رعایت نشده است.

۲-۲. براساس ماده (۴) قانون، کلیه بنگاه‌های اقتصادی که بخشی از تصدی‌های دولت را به‌موجب سیاست‌های کلی اصل چهارم و چهارم قانون اساسی عهده‌دار هستند و بیش از ۵۰ درصد سهام و سرمایه آنان متعلق به دولت است و همچنین هر شرکت تجاری که از طریق سرمایه‌گذاری وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی و شرکت‌های دولتی منفرداً یا مشترکاً ایجاد شده مادام که بیش از ۵۰ درصد سهام آنها متعلق به دستگاه‌های مذکور باشد شرکت دولتی شناخته می‌شوند و همانند وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی باید بر حسب درآمدها، هزینه‌ها، منابع و مصارف در پیوست جداگانه‌ای در قانون بودجه منظور شوند.

لازم به توضیح است بودجه شرکت‌های دولتی و مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت، به تفکیک منابع و مصارف آمده است، اما منابع و مصارف شرکت‌های دولتی ذیل شرکت‌های مادر تخصصی به تفکیک نیامده است که این امر موجب عدم شفافیت بودجه این شرکت‌ها شده است، برای مثال در مورد اقلام دو بار منظور



شده این عدم شفافیت وجود دارد. همچنین تکلیف سود سهامی که این شرکت‌ها به دولت یا به شرکت مادر تخصصی پرداخت می‌کنند مشخص نیست.

۳. استقرار نظام قیمت تمام شده

براساس ماده (۱۶) قانون مذکور، دستگاه‌های اجرایی موظفند به منظور افزایش بهره‌وری و استقرار نظام کنترل نتیجه و محصول (ستانده) و کنترل مراحل انجام کار و اعطای اختیارات لازم به مدیران، اقداماتی را از جمله تعیین قیمت تمام شده فعالیت‌ها و خدمات، تعیین شاخص‌های هدفمند و نتیجه‌گرا و استانداردهای کیفی خدمات و نظارت بر کنترل کمیت و کیفیت خدمات، انعقاد تفاهنامه با مدیران واحدهای مجری و اعطای اختیارات لازم برای پیشنهاد جابجایی فصول و برنامه‌های اعتبارات را به عمل آورند. براساس تبصره «۲» ماده مذکور، دستگاه‌های اجرایی موظف به تنظیم و ارائه بودجه سال ۱۳۸۷ براساس نظام قیمت تمام شده بوده‌اند.

این درحالی است که استقرار این مهم مستلزم بسترسازی لازم در تشکیلات اداری و مالی دستگاه‌های اجرایی و تجویز حسابداری قیمت تمام شده، ایجاد مراکز هزینه و حسابرسی داخلی در دستگاه‌های اجرایی، بسترسازی لازم جهت اجرای نظام مذکور از جمله ارائه آموزش‌های لازم و اصلاح پاره‌ای از احکام در قانون محاسبات عمومی است.

بخش اعظمی از الزامات فوق باید قبل از تنظیم بودجه سنواتی انجام شود تا بودجه تدوین شده به عنوان بودجه عملیاتی نمایان شود. لذا درخصوص انطباق لایحه بودجه ۱۳۸۹ با بودجه‌ریزی عملیاتی می‌توان بیان داشت که به‌رغم گذشت بیش از



دو سال از تاریخ تصویب و ابلاغ قانون، به دلیل عدم انجام الزامات قانونی فوق توسط دولت که پیش‌نیاز تنظیم بودجه عملیاتی بوده است، لایحه بودجه به روش گذشته و بدون توجه به ماده (۱۶) تنظیم شده است. اگرچه در جزء د بند «۹» ماده واحده به معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور اجازه داده شده است، در اجرای ماده (۱۶) قانون مدیریت خدمات کشوری نسبت به تعیین حداقل پنج دستگاه اجرایی ملی و استانی یا واحدهای منتخبی از آنها به منظور شروع نظام بودجه‌ریزی عملیاتی اقدام نماید، اما باید اذعان داشت که نمی‌توان امید چندانی به اجرای این بند از ماده واحده داشت، چرا که احکام قبلی که دولت را مکلف به استقرار نظام قیمت تمام شده و به تبع آن بودجه‌ریزی عملیاتی کرده بود تاکنون عقیم مانده است، درحالی که حکم مذکور هیچ‌گونه تعهد و تکلیفی نیز برای دولت در نظر نگرفته است.

توصیه به عملیاتی کردن بودجه طی تبصره‌های قانون بودجه از سال ۱۳۸۲ شروع شد و بدون اینکه عملکردی داشته باشد در بودجه‌های سنواتی تکرار شد و حتی در قانون برنامه چهارم توسعه و قانون مدیریت خدمات کشوری نیز با تفصیلی بیشتر ارائه شد، ولی تاکنون هیچ‌گونه عملکردی نداشته است.

برخی دلایل آن عبارتند از:

- خلاصه کردن بودجه‌ریزی عملیاتی به سیستم حسابداری قیمت تمام شده،
- فراهم نشدن زمینه‌های قانونی اعطای امتیازات مالی به مدیران،
- عدم تعریف شاخص‌های مشخص عملکردی،
- انحلال سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و عدم جایگزینی آن سازمان مقتدر،



- افزایش درآمدهای نفتی.

با توجه به تجربه فوق و الزامات بودجه‌ریزی عملیاتی نظیر جلب موافقت نقش‌آفرینان فرآیند بودجه، تنظیم برنامه زمانی دقیق، بازبینی و تبیین برنامه‌های راهبردی دستگاه‌های ذیربط، تنظیم چارچوب قانونی و تعریف شاخص‌های عملکردی فراهم نشود، پیشاپیش می‌توان گفت که اجرای این بند از ماده واحده و سایر احکام قانونی موضوعه، عملیاتی نخواهد شد.

بخش دوم - احکامی که اجرای آنها مستلزم برآورد اعتبارات لازم در قوانین بودجه سالیانه است

۴. فصل دهم (حقوق و مزایا)

۴-۱. فصل دهم قانون مدیریت خدمات کشوری از ابتدای سال ۱۳۸۸ به اجرا در آمد. نظام پرداخت کارکنان دولت که تا پیش از سال ۱۳۸۸ به شیوه گروه و عدد مبنا بود، از ابتدای سال ۱۳۸۸ به شیوه امتیازی تغییر کرد. در این سال دولت برای اجرای فصل دهم قانون، اعتباری معادل ۵۰,۰۰۰ میلیارد ریال در نظر گرفت. در حالی که اجرای این فصل از قانون نیاز به تدوین و تصویب آیین‌نامه‌ها، جداول، بخشنامه‌ها و یا دستورالعمل‌های متعدد داشت، دولت از طریق ابلاغ بخشنامه شماره ۲۰۰/۱۴۵۹۳/۱ مورخ ۱۳۸۸/۲/۲۱ اقدام به اجرای این فصل از قانون نمود، که با توجه به عدم



جامعیت و قابلیت لازم بخشنامه^۱ مذکور، در عمل بسیاری از احکام و اهداف قانون مدیریت بلااجرا ماند. در این بین تنها حقوق و مزایای کارکنان دولت بین ۱۵ تا ۲۰ درصد افزایش یافت و بدون اینکه تغییری در مؤلفه‌ها، شاخص‌ها و معیارهای تعیین حقوق کارکنان ایجاد شود، عناوین تشکیل‌دهنده حقوق و مزایا تغییر کرد.

۴-۲. دولت طبق تبصره ماده (۶۴) و ماده (۱۲۵) قانون مدیریت خدمات کشوری موظف است ضریب ریالی سالیانه را با توجه به شاخص هزینه زندگی و حداقل به اندازه نرخ تورم در لایحه بودجه سالیانه پیش‌بینی و به تصویب مجلس شورای اسلامی برساند. این امر در لایحه بودجه سال ۱۳۸۹ پیش‌بینی نشده و به‌جای آن دولت در جزء ب بند «۷» ماده واحده لایحه بودجه، این اجازه را از قانونگذار خواسته است که ضرایب ریالی موضوع ماده (۶۴) و تبصره آن و ماده (۱۲۵) قانون مدیریت خدمات کشوری را درخصوص شاغلین و بازنشستگان و موظفین و مستمری‌بگیران تا سقف اعتبار مصوب در هر مورد تعیین و اجرا کند.

۱. مهمترین نکته درخصوص بخشنامه آن است که این متن سعی کرده با استفاده از ساختارهای شناخته شده و آزموده به حکم قانون نظام هماهنگ پرداخت، قانون مدیریت خدمات کشوری را به اجرا در آورد. نتیجه آن شده که بسیاری از احکام و اهداف قانون مدیریت بلااجرا مانده است. این وضعیت باعث شده برخی از دستگاه‌های اجرایی به‌خصوص دستگاه‌های دارای قوانین و مقررات خاص که پس از تصویب، تابع قانون مدیریت خدمات کشوری قرار گرفته‌اند، با مشکلاتی در اجرا مواجه شوند که احتمالاً بازتاب آن هم اقدامات عجولانه توسط دولت خواهد بود. نمونه بارز این وضعیت را می‌توان در خارج ساختن برخی از دستگاه‌های تابع قانون مدیریت همانند سازمان حسابرسی، شرکت‌های تابعه وزارت نیرو و به‌طور کل اکثر دستگاه‌های اجرایی که پیش از تصویب قانون تابع قوانین و مقررات خاص بوده‌اند، از شمول مقررات بخشنامه و در نتیجه مقررات قانون مدیریت و همچنین اجرای قسمت اعظم احکام قانون نظام هماهنگ پرداخت در پوشش مقررات قانون مدیریت مشاهده کرد. لذا لازم است در سال ۱۳۸۸ معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی نسبت به تهیه و تصویب آیین‌نامه‌ها، دستورالعمل‌ها و جداول حقوقی فصل دهم براساس قانون و براساس اهدافی که مدنظر قانونگذار بوده است اقدام نماید. این اقدامات پیش‌نیاز محاسبه و پیش‌بینی آثار بودجه‌ای فصل دهم قانون است.



جدول ۱ روند افزایش اعتبار جبران خدمات کارکنان در بودجه عمومی دولت را

طی ۶ سال اخیر نشان می‌دهد:

جدول ۱. جبران خدمات کارکنان در بودجه عمومی دولت

(ارقام به میلیارد ریال)

سال	پیش‌بینی در بودجه	اصلاحیه یا متمم	جمع کل اعتبار سالیانه	روند افزایش نسبت به سال قبل (درصد)
۱۳۸۴	۸۴,۷۴۶	۳۵,۸۵۱	۱۲۰,۵۹۷	-
۱۳۸۵	۱۱۶,۶۵۹	۳۳,۰۰۰	۱۴۹,۶۵۹	۲۴
۱۳۸۶	۱۳۲,۴۴۹	۳۶,۳۰۰	۱۶۸,۷۵۰	۱۲/۷
۱۳۸۷	۱۶۰,۶۷۸	۲۸,۸۶۸	۱۸۹,۵۴۶	۱۲/۳
۱۳۸۸	*۲۲۷,۸۶۱	اصلاحیه*	۲۲۷,۸۶۱	۲۰/۲
۱۳۸۹	۲۲۸,۰۹۱	-	۲۲۸,۰۹۱	۰

* به موجب ماده (۵) قانون اصلاح بودجه سال ۱۳۸۸ مصوب ۱۳۸۸/۱۰/۲۲ مجلس شورای اسلامی، اعتباری معادل ۲۱,۰۰۰ میلیارد ریال به اعتبارات هزینه‌ای اضافه شده است که بخش قابل توجهی از آن برای فصل جبران خدمات کارکنان تخصیص یافته، که رقم آن هنوز مشخص نشده است.

جدول فوق بیانگر آن است که، اعتبار فصل اول (جبران خدمات کارکنان) نه تنها افزایش نداشته است، بلکه اگر اصلاحیه بودجه سال ۱۳۸۸ را در محاسبات فوق منظور کنیم، حتی شاهد کاهش اعتبار فصل اول در سال ۱۳۸۹ به نسبت اعتبار عملکردی دولت در سال ۱۳۸۸ نیز خواهیم بود.^۱ اینکه چگونه دولت، حقوق کارکنان

۱. این عدم افزایش یا کاهش اعتبار فصل اول (جبران خدمات کارکنان) در شرایطی است که اعتبارات هزینه‌ای دولت در لایحه بودجه ۱۳۸۹ به نسبت قانون بودجه سال ۱۳۸۸ (شامل اصلاحیه) با افزایش ۲۲/۲ درصدی مواجه بوده است.



دولت را با توجه به شاخص هزینه زندگی و حداقل به اندازه نرخ تورم افزایش خواهد داد نامشخص است. اگرچه دولت در جزء ج بند «۷» ماده واحده لایحه بودجه ۱۳۸۹، بیان داشته است که افزایش اعتبارات هزینه‌ای نسبت به اعتبارات مصوب وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی از هر محل «جز برای تأمین کسری احتمالی ناشی از اجرای این بند (منظور بند «۷» لایحه است) یا سایر هزینه‌های اجتناب‌ناپذیر تا سقف بیست (۲۰) درصد هر یک از ردیف‌های اعتباری منظور در جداول این قانون و پیوست‌های آن با تشخیص دولت»، ممنوع می‌باشد. در واقع با تصویب این بند دولت این اجازه را دارد که اعتبار فصل جبران خدمات کارکنان را در سال ۱۳۸۹ تا سقف ۲۰ درصد افزایش دهد.

۵. فصل سیزدهم (رفاه اجتماعی)

دولت در فصل رفاه اجتماعی در سال ۱۳۸۹ اعتباری معادل ۲۰۷,۳۱۵ میلیارد ریال در نظر گرفته است که این اعتبار با توجه به اعتبار مندرج در سال ۱۳۸۸، افزایشی معادل ۴۱,۷۵۹ میلیارد ریال (۲۵/۲ درصد افزایش) را نشان می‌دهد که به احتمال زیاد بخش اعظمی از این افزایش برای اجرای فصل سیزدهم قانون مدیریت خدمات کشوری در نظر گرفته شده است، زیرا برآورد اعتبارات هزینه‌ای بر حسب برنامه برای پرداخت حقوق و مزایای بازنشستگان (به شماره طبقه‌بندی ۳۰۴۴۲) افزایشی معادل ۳۱,۸۶۴ میلیارد ریال را به نسبت سال ۱۳۸۸ نشان می‌دهد. اعتبار این برنامه (۳۰۴۴۲) در قانون بودجه سال ۱۳۸۸ معادل ۱۶,۴۴۱ میلیارد ریال بوده که در سال ۱۳۸۹ به ۴۸,۳۰۵ میلیارد ریال افزایش یافته است.



۶. بیمه تکمیلی و حمایت‌های قانونی کارمندان و بازنشستگان

۶-۱. به موجب ماده (۸۵) قانون مدیریت خدمات کشوری، دستگاه‌های اجرایی مکلفند در چارچوب بودجه‌های مصوب، کارمندان و بازنشستگان و افراد تحت تکفل آنان را علاوه بر استفاده از بیمه پایه درمان، با مشارکت آنان تحت پوشش بیمه تکمیلی قرار دهند.

۶-۲. به موجب بند «۱» ماده (۱۱۱) این قانون کلیه شاغلین و بازنشستگان مشترک صندوق‌های بازنشستگی می‌توانند والدین تحت تکفل خود را در صورتی که تحت پوشش هیچ‌یک از بیمه‌های خدمات درمانی نباشند، تحت پوشش خدمات درمانی خود قرار دهند. همچنین به موجب بند «۲» ماده مذکور فرزندان اناث مشروط به آنکه ورثه قانونی باشند (با شرایطی که در این ماده ذکر شده است) از کمک هزینه اولاد، بیمه و یا مستمری والدین خود برخوردار می‌گردند.

۶-۳. دولت برای اجرای ماده (۸۵) و بند «۱» ماده (۱۱۱) مشکلی از نظر تخصیص اعتبار ندارد، زیرا می‌تواند در مورد بیمه شاغلین از محل اعتبار فصل جبران خدمات کارکنان و برای بازنشستگان از محل اعتبار فصل رفاه اجتماعی هزینه کند. اما اجرای ماده (۸۵) موکول به تصویب آیین‌نامه اجرایی است که دولت موظف بوده است حداکثر یک سال پس از تصویب قانون، آن را به تصویب هیئت وزیران برساند که متأسفانه به‌رغم گذشت بیش از دو سال از تصویب قانون این امر محقق نشده است.

۷. سایر احکام قانونی

۷-۱. آشناسازی مردم با حقوق و تکالیف خود در تعامل با دستگاه‌های اجرایی براساس ماده (۲۶) قانون مذکور دستگاه‌های اجرایی مکلفند مردم را با حقوق و تکالیف خود در تعامل با وظایف دستگاه‌های اجرایی آشنا سازند و از طریق وسایل ارتباط جمعی به‌ویژه صدا و سیما، سطح آگاهی عمومی را ارتقا و اطلاعات لازم را در اختیار مردم قرار دهند.

دستگاه‌های اجرایی مجاز می‌باشند اعتبار مورد نیاز جهت اجرای این حکم از قانون را از سرجمع اعتبارات فصل دوم (استفاده از کالا و خدمات) تأمین کنند.

۷-۲. توسعه دولت الکترونیکی

- ماده (۳۸) قانون تأکید بر ارائه خدمات الکترونیکی توسط دستگاه‌های اجرایی به مردم دارد.

- ماده (۴۰) دولت را موظف کرده است نسبت به طراحی پایگاه اطلاعات ایرانیان از طریق سازمان ثبت احوال کشور و شرکت پست جمهوری اسلامی ایران اقدام کند.

- ماده (۵۵) معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی را مکلف کرده است نسبت به ایجاد بانک اطلاعات مدیران اقدام کند.

بررسی اعتبارات برنامه‌ای، اعتبارات هزینه‌ای و تملک دارایی‌های سرمایه‌ای بیانگر آن است که دولت اعتباری برای اجرای احکام مذکور در نظر نگرفته است.

لذا با توجه به اهمیت «توسعه دولت الکترونیکی» که در طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای لایحه بودجه سال ۱۳۸۹، فصل توسعه علوم و فناوری (به شماره طبقه‌بندی - ۱۰۵۰۰) نیز مورد توجه دولت قرار گرفته است، پیشنهاد می‌شود



کلیه برنامه‌های مرتبط با ارائه خدمات الکترونیکی دولت که ایجاد واحدهای خدمات‌رسانی الکترونیکی ماده (۳۸)، ایجاد پایگاه اطلاعات ایرانیان ماده (۴۰) و بانک اطلاعات مدیران ماده (۵۵) بخشی از آن است، با عنوان «برنامه توسعه دولت الکترونیکی» درج و طبق سند توسعه بخشی قانون برنامه چهارم توسعه برحسب میزان و درصد ارائه خدمات الکترونیکی نسبت به تخصیص اعتبار به دستگاه‌های اجرایی اقدام شود.

**بخش سوم - بررسی حقوقی بند «۷» ماده واحده لایحه بودجه ۱۳۸۹
کل کشور**

۸. جزء الف بند «۷»

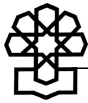
۸-۱. با توجه به مفاد ماده (۷۸) قانون مدیریت خدمات کشوری، تکرار احکام زیر در جزء الف بند «۷» زائد است و باید حذف شود:

- لغو کلیه مجوزها و مقررات پرداخت خارج از فصل دهم قانون مدیریت خدمات کشوری،

- تجویز انجام پرداخت‌های قانونی در زمان بازنشستگی، ازکارافتادگی و فوت،

- تجویز پرداخت کمک‌های رفاهی (مستقیم یا غیرمستقیم).

اما حکم مربوط به تجویز پرداخت پاداش موضوع ماده (۲۰) قانون مدیریت خدمات کشوری و ماده (۴۱) قانون استخدام کشوری و همچنین کمک هزینه ازدواج مورد تأیید می‌باشد. البته از آنجایی که در دستگاه‌های دولتی مشمول قانون مدیریت



که قبلاً تابع قانون استخدام کشوری نبوده‌اند احکامی مشابه ماده (۴۱) بالا وجود داشته که باید تنفیذ شود. لذا پس از عبارت «قانون استخدام کشوری» عبارت «و احکام مشابه در سایر قوانین و مقررات استخدامی» اضافه شود.

۲-۸. در جزء الف با توجه به اینکه افزایش امتیازات موضوع فصل دهم در قانون بودجه سال قبل پیش‌بینی شده، لذا استمرار اجرای آن باید با درج حکم مستقیم در این جزء انجام شود، نه ذکر آن در زمره مستثنیاتی که در سطر اول اشاره شده است.

۳-۸. در جزء الف، با توجه به اینکه در بند «۲» ماده (۶۸) قانون مدیریت خدمات کشوری فوق‌العاده ایثارگری و حداکثر امتیاز آن (۱۵۰۰) برای ایثارگران پیش‌بینی شده و این امتیاز تا ۵۰ درصد هم قابل افزایش است، لذا در صورتی که امتیاز مذکور نتوانسته است معادل وجوه دریافتی آنان از بابت ایثارگری را براساس مقررات سابق تأمین نماید، حداکثر امتیاز مذکور باید افزایش داده شود تا میزان وجوه دریافتی به‌طور روشن قابل رؤیت باشد. در این جزء جمله «در هر صورت امتیازات فرزندان شهدا و ایثارگران به نحوی تطبیق می‌یابد که دریافتی آنان از بابت تطبیق کاهش نیابد» با اشکالاتی روبرو است. نخست، واژه «امتیازات» می‌تواند شامل امتیازاتی مانند امتیازات حق شغل و حق شاغل باشد که تغییر آنها به‌واسطه ایثارگری قابل تأیید نیست؛ دوم، استفاده از کلمه «تطبیق» در دو معنا و کاربرد متفاوت در یک جمله صحیح نیست؛ سوم، موضوع تطبیق کارکنان مشمول قانون مدیریت تا این زمان خاتمه یافته و تکرار آن در اینجا سؤال برانگیز است؛ چهارم، در مورد تطبیق ایثارگران در جزء ب-۱۱ ماده واحده قانون بودجه سال ۱۳۸۸ پیش‌بینی شده بود که «در هر صورت امتیازات ایثارگران به نحوی تطبیق می‌یابد که دریافتی آنان از این



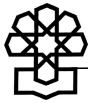
بابت کاهش نیابد». بنابراین درج حکم مورد بحث درباره ایثارگران در بند «۷» توجیهی ندارد، زیرا تطبیق آنان با قانون مدیریت باید خاتمه یافته باشد.

۴-۸. در جزء الف چون عبارت «گروه‌های مختلف حقوق‌بگیر» واجد ابهام است، لذا به استناد آن دولت می‌تواند (و مکلف است) در مورد افزایش حقوق هر گروه حقوق‌بگیر اتخاذ تصمیم کند که این امر صحیح نیست. به‌علاوه افزایش حقوق ممکن است راجع به افزایش‌های سالیانه و علاوه بر آن سایر افزایش‌ها باشد که مورد اخیر با اجرای مقررات استخدامی گوناگون ارتباط دارد و ناقض مقررات استخدامی است که ورود در آن به مصلحت هیئت محترم دولت نیست. ضمناً چون اتخاذ تصمیم درباره افزایش حقوق سالیانه هیئت علمی و قضات برعهده مراجع دولتی (دولت) است، لذا احاله مجدد آن به دولت توجیهی ندارد. در مورد «کارکنان کشوری و کارکنان لشگری» بدو باید مصادیق آنها تعیین شود تا بتوان درباره موضوع اظهار نظر کرد.

ازسوی دیگر در این بند افزایش امتیازات با پیشنهاد مشترک معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی و معاونت توسعه ذکر شده که به‌لحاظ ارتباط موضوعی بهتر است اصلاح شود (... به پیشنهاد معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی با همکاری معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ...).

۹. جزء ب بند «۷»

۱-۹. در جزء ب چون اصلاح «نظام پرداخت» موضوع فصل دهم قانون مدیریت خدمات کشوری از طریق تصویب قانون امکانپذیر است که در صورت انجام آن، احکام مربوط نیز باید در همان قانون ذکر شود، لذا کلمات مذکور از سطر اول جزء ب



باید حذف شود. به‌علاوه چون مفاد این بند موجب خواهد شد که هر نوع افزایشی در میزان حقوق و مزایا از تفاوت تطبیق مستخدمین کسر نشود، لذا این امر موجب تعویق یا تعطیل اجرای قانون مدیریت است که صحیح نیست. هدف از درج تفاوت تطبیق آن بوده که به مرور زمان وجوه مربوط به آن حذف شود. در غیر این صورت باید از درج عنوان مذکور برای آن خودداری می‌شد و تحت عناوینی مانند حق شغل یا حق شاغل برقرار می‌گردید.

۲-۹. در جمله «همچنین مصوبات، تصمیمات، اقدامات و احکام صادره ... همین حکم است» چون تصمیمات، اقدامات و احکام صادره ممکن است منطبق بر مقررات مصوب نبوده باشد، لذا تنفیذ بی‌قید و شرط آنها موجب اشکال است و مغایر قانون به‌نظر می‌رسد، زیرا موارد خلاف قانون را نیز مجاز شمرده است. در این خصوص یادآور می‌شود، نخست، بهتر است قوانین و مقررات مربوط تنفیذ شود و دوم اینکه، چون تنفیذ همه قوانین و مقررات سابق ایثارگری و همچنین پرداخت فوق‌العاده ایثارگری موضوع بند «۲» ماده (۶۸) قانون مدیریت به‌طور توأم صحیح نیست، پس باید راهکاری برای نحوه اجرای توأم آنها اندیشیده شود. چنانچه فهرستی از امتیازات سابق که قرار است استمرار یابد در اینجا نوشته شود مشکل مطروح برطرف خواهد شد. ولی متن حاضر از ارائه راه حل مشکل امتناع کرده و از طریق بیان مطلب به‌طور کلی آن‌هم به‌صورت مبهم و مجمل سعی در حل مسئله نموده است.

۱۰. جزء ج بند «۷»

در جزء ج عبارت «یا سایر هزینه‌های اجتناب‌ناپذیر» موجب شده که محدودیت



ظاهری مورد نظر حذف شود و در نتیجه دولت بتواند برای تأمین کسری احتمالی ناشی از اجرای بند «۷» و همچنین هر نوع هزینه دیگری (که لابد اجتناب‌ناپذیر است) تا سقف ۲۰ درصد هریک از ردیف‌های اعتباری منظور در جداول قانون بودجه و پیوست‌های آن اعتبارات هزینه‌ای را افزایش دهد.

مفاد این جزء گرچه به ظاهر معطوف به ایجاد ممنوعیت است، اما در واقع معنای آن تجویز افزایش اعتبارات هزینه‌ای به‌طور کلی و بدون قید و شرط می‌باشد.

۱۱. جزء ل بند «۷»

در جزء ل، چون شرکت‌های دولتی، مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت، بانک‌ها و بیمه‌ها مشمول قانون مدیریت خدمات کشوری و مفاد بند «۷» می‌باشند، بنابراین انشای حکم خاص برای آنها موردی ندارد و باید حذف شود. در مورد نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی برعکس، چون تابع قانون مدیریت نمی‌باشند، بنابراین تعیین سقف افزایش حقوق و مزایا و سایر پرداختی‌های نقدی و غیرنقدی توسط هیئت وزیران توجیهی ندارد. جمله «در اصلاحیه بودجه سال ۱۳۸۹ ... تا آخر این بند» نیز به تبع حذف مطلب قبلی باید حذف شود.

۱۲. جزء ز بند «۷»

جمله اول جزء ز، تکرار زائد تکلیفی است که دستگاه‌های اجرایی در مورد اجرای قانون مدیریت برعهده دارند. اگرچه درج آن در اینجا به‌طور ضمنی این مفهوم را به ذهن متبادر می‌سازد که گویا دستگاه‌های اجرایی در مورد سایر مواد قانون الزامی به



اجرا ندارند. به‌علاوه در این جزء جمله «اداره بیمارستان‌ها ... الی آخر جزء» ارتباطی با جمله اول ندارد و بهتر است به‌صورت یک جزء مستقل نوشته شود، منتها عبارت «و نیز طرح‌های دانشگاهی» در این جمله معنای روشن ندارد. بهتر است این مطلب به این‌صورت نوشته شود که بند «۲۴» قانون بودجه سال ۱۳۸۸ برای سال ۱۳۸۹ هم تنفیذ می‌گردد.

۱۳. جزء ک بند «۷»

۱۳-۱. با توجه به اینکه دولت به‌طور قانونی مکلف است حقوق بازنشستگان و موظفین را بدون وقفه پرداخت کند و این امر نیازی به ذکر در قانون ندارد، لذا عبارت «برقراری و پرداخت منوط به پرداخت سنوات ارفاقی نمی‌باشد»، چون به‌طور ضمنی احتمال وقفه در پرداخت حقوق بازنشستگی و وظیفه را بنا به دلایلی مطرح می‌سازد، تبعاتی بر خلاف مفاد این جمله را دارد و باید حذف شود.

۱۳-۲. به آخر عبارت داخل پرانتز عبارت «موضوع ماده (۷۱) قانون مدیریت خدمات کشوری» اضافه شود.

۱۳-۳. در قسمت اخیر جزء ک چون مراد از کلمه «صندوق‌ها» همان صندوق‌های بازنشستگی و وظیفه است، بهتر است به همین صورت نوشته شود. ضمناً چون تعهدات دولت در مقابل صندوق‌ها در قوانین و مقررات مصوب ذکر شده است و صندوق‌ها نیز در مقابل مشترکین خود تعهدات قانونی دارند، لذا جمله پایانی این جزء «و تعهدات دولت در قانون بودجه می‌باشد» می‌تواند موجب عدم ایفای تعهدات قانونی قبلی دولت در مقابل صندوق‌ها و به‌تبع آن باعث ناتوانی صندوق‌ها به ایفای



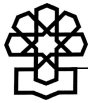
تعهدات خود در مقابل مشترکین شود که این امر آثار نامطلوب در جامعه خواهد داشت. لذا ضرورت دارد جمله مذکور حذف شود.

به علاوه قانون بازنشستگی پیش از موعد اقدامی خوب برای کاهش نیروی انسانی دولت و واگذاری تصدیگری دولت بوده است و اگرچه این قانون بدین لحاظ که بازنشستگی را منوط به درخواست کارکنان کرده بود سبب گردید بخش‌هایی از نیروهای کارآمد دولت از بدنه اجرایی دولت خارج و به بخش خصوصی منتقل شوند، ولی اگر در این قانون اصلاحات لازم به عمل آید و کارآمد گردد فرصتی برای کاهش حجم دولت و مشاغل دولتی خواهد بود، شاید مناسب باشد دولت در این باره تدابیر لازم را اتخاذ نماید.

جمع بندی

۱. قانون مدیریت خدمات کشوری پس از قانون مصوب ۱۳۰۱ هجری شمسی و قانون استخدام کشوری مصوب ۱۳۴۵، سومین قانونی است که تلاش کرده است نحوه و چگونگی اداره امور دولتی را اعم از نقش و وظایف دولت، ساختار آن و حقوق مردم نسبت به دولت و مسائل استخدامی و کاربردی مورد نیاز را به صورتی روزآمد تعیین و تنظیم کند.

علی القاعده اثربخشی یک قانون، فارغ از نحوه طراحی و کیفیت محتوایی آن، به میزان قابل توجهی به نحوه اجرای آن بستگی دارد. چه بسا قوانینی که بسیار هوشمندانه تدوین و تنظیم شده‌اند، ولی با اجرای ناقص یا نامناسب آن اهداف مورد



نظر قانونگذار محقق نشده است. قانون مدیریت خدمات کشوری هم به عنوان یکی از قوانین مادر در کشور نیازمند عزم جدی و تدبیر صحیح و هوشمندانه برای اجرا است. از این جهت باید از احکام مختلف مندرج در فصول مختلف این قانون جمع بندی مناسبی داشت و با در نظر داشتن اهداف اصلی و روح حاکم بر قانون، آنچه را که باید در قوانین پایین دستی نظیر قانون بودجه سالیانه لحاظ کرد، مد نظر قرار داد.

۲. از آنجایی که اصلاح قانون مدیریت در قانون بودجه اعتبار یک ساله دارد و لابد در سال‌های بعد نیز تکرار خواهد شد، لذا بهتر است از انجام این اصلاحات در قانون بودجه اکیداً خودداری شود. این امر موجب می شود دولت از انجام یک کار اساسی در زمینه اجرا و اصلاح قانون مدیریت خودداری نماید. فقط آن بخش از احکام باید در قانون بودجه ذکر شود که اجتناب ناپذیر باشد (مانند افزایش حقوق سال آینده کارکنان).

۳. به موجب تبصره ماده (۶۴) و ماده (۱۲۵) قانون مدیریت خدمات کشوری دولت موظف است ضریب ریالی سالیانه افزایش حقوق کارمندان و بازنشستگان را با توجه به شاخص هزینه زندگی و به اندازه نرخ تورم که هر ساله از سوی بانک مرکزی اعلام می شود، در لایحه بودجه سالیانه پیش بینی و به تصویب مجلس شورای اسلامی برساند. در سال ۱۳۸۸ ضریب ریالی توسط هیئت وزیران ششصد (۶۰۰) ریال تعیین گردید. این امر در لایحه بودجه سال ۱۳۸۹ پیش بینی نشده و به جای آن دولت در جزء ب بند «۷» ماده واحده لایحه بودجه، این اجازه را از قانونگذار خواسته است که ضرایب ریالی موضوع ماده (۶۴) و تبصره آن و ماده (۱۲۵) قانون مدیریت خدمات کشوری را درخصوص شاغلین و بازنشستگان و موظفین و مستمری بگیران تا سقف اعتبار مصوب در هر مورد تعیین و اجرا کند.



۴. به‌رغم افزایش ۲۳/۲ درصدی اعتبارات هزینه‌ای دولت در لایحه بودجه ۱۳۸۹ به نسبت قانون بودجه سال ۱۳۸۸ (با اصلاحیه)، اعتبار فصل اول (جبران خدمات کارکنان) نه تنها افزایش نداشته است، بلکه اگر اصلاحیه بودجه سال ۱۳۸۸ را در زمینه افزایش اعتبار فصل اول در محاسبات منظور کنیم، شاهد کاهش اعتبار فصل اول در سال ۱۳۸۹ به نسبت اعتبار عملکردی دولت در سال ۱۳۸۸ نیز خواهیم بود. اگر چه در صورت تصویب جزء ج بند «۷» ماده واحده لایحه بودجه ۱۳۸۹، دولت این اجازه را دارد که اعتبار فصل جبران خدمات کارکنان را در سال ۱۳۸۹ تا سقف ۲۰ درصد افزایش دهد.

۵. دولت برای اجرای مواد (۸۵) و (۱۱۱) که در مورد بیمه تکمیلی کارمندان و بازنشستگان و حمایت‌های اجتماعی از افراد تحت تکفل آنان است مشکلی از نظر تخصیص اعتبار ندارد، چرا که می‌تواند در مورد بیمه شاغلین از محل اعتبار فصل جبران خدمات کارکنان و برای بازنشستگان از محل اعتبار فصل رفاه اجتماعی هزینه کند.

۶. در مواد (۸)، (۹)، (۱۰) و (۱۱) قانون مدیریت خدمات کشوری، وظایف دولت در قالب امور حاکمیتی، امور اجتماعی، فرهنگی و خدماتی، امور زیربنایی و امور اقتصادی طبقه‌بندی شده است. این درحالی است که در بودجه سال ۱۳۸۸ وظایف دولت به‌صورت سنتی در قالب امور عمومی، امور دفاعی و امنیتی، امور اجتماعی و فرهنگی و امور اقتصادی طبقه‌بندی شده است.



پیشنهاد

۱. براساس تبصره ماده (۶۴) و ماده (۱۲۵) قانون مدیریت خدمات کشوری، ضریب ریالی سالیانه کارکنان و بازنشستگان و موظفین و مستمری‌بگیران، در قانون بودجه سال ۱۳۸۹ تعیین و به همان نسبت اعتبار فصل اول (جبران خدمات کارکنان) به نسبت بودجه عملکردی دولت در سال ۱۳۸۸ افزایش یابد.

۲. پرهیز از اصلاح قانون مدیریت خدمات کشوری در قالب لایحه بودجه که اعتباری یک‌ساله دارد.

۳. مکلف نمودن دولت به ایجاد بستر و الزامات لازم در دستگاه‌های اجرایی جهت بودجه‌ریزی به شیوه عملیاتی و استقرار نظام قیمت تمام شده در لایحه بودجه سال ۱۳۹۰.

۴. کلیه برنامه‌های مرتبط با ارائه خدمات الکترونیکی دولت، تحت عنوان «برنامه توسعه دولت الکترونیکی» درج و طبق سند توسعه‌بخشی قانون برنامه چهارم توسعه برحسب میزان و درصد ارائه خدمات الکترونیکی نسبت به تخصیص اعتبار به دستگاه‌های اجرایی بابت اجرای مواد (۳۸)، (۴۰) و (۵۵) اقدام شود.

۵. در اجرای بندهای مختلف مرتبط با این قانون بهتر است معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی در اولویت قرار گیرد.

۶. بازنگری در قانون بازنشستگی پیش از موعد با رویکرد پالایش دستگاه‌های اجرایی از نیروهای ناکارآمد و فاقد تحصیلات و تجربه لازم، به‌جای ملغی‌الاثربودن قانون مذکور.



منابع و مأخذ

۱. لایحه بودجه سال ۱۳۸۹ کل کشور، معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست‌جمهوری.
۲. قوانین بودجه سنواتی، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی.
۳. قانون مدیریت خدمات کشوری.
۴. پناهی، علی. بودجه‌ریزی عملیاتی، دفتر مطالعات برنامه و بودجه، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۶.
۵. مالکی، محمدرضا و علیرضا فرزیب. الزامات بودجه‌ای قانون مدیریت خدمات کشوری، دفتر مطالعات برنامه و بودجه، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۷.
۶. دستاوردهای قانون مدیریت خدمات کشوری، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۶.



شناسنامه گزارش

شماره مسلسل: ۱۰۱۰۳

عنوان گزارش: لایحه بودجه سال ۱۳۸۹ کل کشور ۱۱. قانون مدیریت خدمات کشوری و بند «۷» ماده واحده لایحه بودجه

نام دفتر: مطالعات برنامه و بودجه (گروه مدیریت و تشکیلات)

تهیه و تدوین کنندگان: محمدرضا مالکی، اکبر شکوهی، حسین حامد

ناظر علمی: مهدی مرتضوی

متقاضی: کمیسیون برنامه و بودجه و محاسبات

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی:

۱. ساختار سازمانی دولت

۲. حقوق و مزایا

۳. بازنشستگی و تأمین اجتماعی

۴. نظام قیمت تمام شده فعالیت‌ها و خدمات

۵. فناوری اطلاعات

تاریخ انتشار: ۱۳۸۸/۱۱/۱۵